

عزیز احمد بارز

2013-01-25

## پی آمد های موفقیت و شکست مذاکره با طالبان

پیش درآمد:

از اولین روز های بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۴ حکومت افغانستان صدای مذاکره با طالبان را مطرح کرد و این روند بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ رسماً به پالیسی محوری حکومت ریس جمهور کرزی تبدیل شد. تا کنون طالبان مذاکره با دولت افغانستان را رسماً نپذیرفتند در یک مورد استثنایی که شورای عالی صلح خبر مذاکرات مقدماتی را با طالبان تایید کرد که نتیجه آن ترور پروفیسور ربانی ریس شورای عالی صلح و ریس جمهور پیشین بود. در پی این حادثه ریس حکومت از قطع مذاکره با طالبان و آغاز گفتگو هایی احتمالی با پاکستان خبر داد. مصالحه با طالبان به دلایل زیاد از جمله عدم همکاری صادقانه حکومت و ارتش پاکستان صورت نگرفت.

تلاش های شتاب زده و مصالحه گرایی حکومت افغانستان با طالبان علاوه از بی نتیجه بودن؛ تبعات ناخوشایند را در پی داشت که از جمله تحرک نظامیان پاکستان در کنترل بیشتری شورای رهبری طالبان؛ آغاز همکاری مالی و تسلیحاتی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران به طالبان؛ تشویق امریکا و غرب برای مذاکره با طالبان از پیامد هایی ملموس این برنامه غیر مدون حکومت ریس جمهور کرزی می باشد. برنامه مصالحه حکومت با طالبان و حمایت مالی جامعه جهانی یخ های حساسیت هارا نسبت به طالبان تا حدی ذوب کرد و بر نگرانی جدی موسسات حمایت از حقوق بشری و فعالان جامعه مدنی افغانستان افزود.

قبل از بحث شکست و یا پیروزی احتمالی روند مذاکرات امریکا با طالبان و دولت افغانستان کوتاه مکنی بر ساختار درونی طالبان قبل از شکست در سال ۲۰۰۱؛ می نمایم تا در شرح پیروزی یا شکست احتمالی کمک کند. طالبان خود را یک حرکتی برخاسته از مدارس دینی (۱) اعلان می کنند که بعداً تعدادی از ملا های که در جهاد علیه شوروی سابق نقش داشتند مانند گروه مولوی محمد نبی محمدی و گروه مولوی محمد یونس خالص با طالبان همراه شدند. بعد فروپاشی حکومت طالبان در ۲۰۰۱ تعدادی از اعضای گروه های متذکره با حکومت حامد کرزی پیوستند و تعدادی مانند جلالالدین حقانی در کنار طالبان باقی ماندند. از لحاظ ساختاری در حرکت طالبان دو دسته افراد در رهبری طالبان قرار داشتند. اول: تندرو های متحد القاعده که تاکنون رهبری گروه طالبان را حفظ کردند که در راس آنها ملا عمر قرار دارد ملا حسن معاون شورای رهبری؛ ملا ترابی وزیر عدلیه؛ ملا کبیر معاون شورای رهبری؛ ملا برادر والی هرات و معاون جنبش طالبان و... دوم: ملا های نسبتاً میانه رو که به تسلط القاعده در همه امور امارت طالبان موافق نبودند. مانند ملا متوکل وزیر خارجه؛ مولوی عبدالرقيب وزیر مهاجرین؛ ملا متقی وزیر اطلاعات و فرهنگ؛ قاری دین محمد وزیر تحصیلات عالی؛ ملا غیاث وزیر معارف طالبان؛ ایشان نسبت به گروه اول در بعضی موارد خواهان ریفورم بودند. ایشان بار ها اعلان کردند در اصول تحریک طالبان هیچ اختلافی ندارند.

**قطر- امریکا و طالبان** آغاز مذاکرات طالبان با امریکا یا غرب در سال ۲۰۱۰ و ایجاد دفتری برای

انها در قطر یک تحول بزرگ بود مذاکرات رسماً از طرف طالبان قطع گردید؛ طالبان یک گروه جنگ طلب؛ غیر سیاسی و دارای تعصب فروان مذهبی و قومی هستند و حرکت های این گروه نه سیاسی است و نه سازمانی که بتوان از این گروه انتظار برخورد سیاسی را در ارتباط با پدیده های مذاکره و صلح داشت.

در طول های ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۲ بار ها صدای حکومت حامد کرزی را برای آغاز مذاکره رد کردند و حکومت کرزی را دست نشاندۀ عنوان کردند. غربی ها در راس ایالات متحده امریکا نیز طالبان را جزء مهم از عناصر تروریسم بین المللی می دانستند و دشمن مردم امریکا به همین لحاظ به افغانستان در سال ۲۰۰۱ حمله نظامی کردند و بعد از شکست طالبان با متحدان خویش در ناتو حضور نظامی آنها ادامه پیدا کرد؛ امریکا و ناتو متعهد به ریشه کن کردن تروریسم بین المللی؛ تاسیس حکومت قانون گرا و حمایت از ارزش های دموکراتیک به شمول اعاده حقوق زنان در افغانستان شدند که متأسفانه هیچ یک از تعهدات فوق به شکل کامل بدست نیامده است.

دلایل زیادی وجود دارد که طالبان و امریکا را متمایل به مذاکره و ایجاد دفتر در قطر نموده است.

**اول: جنگ طولانی.** جنگ طولانی یازده ساله در افغانستان تا کنون پیروز ندارد. انگیزه های جنگ علیه تروریسم بین المللی و طالبان به مرور زمان رنگ می بازد. امریکا ها می گفتند در مقابل تروریسم بین المللی به منظور دفاع از امنیت ملی امریکا و متحدان شان تا نابودی تروریسم بین المللی که طالبان جزء آنها و میزبان وفادار القاعده است؛ می جنگند؛ آقای جویایدن معاون رئیس جمهوری امریکا در ۲۱ دیسیمبر ۲۰۱۱ در مصاحبه ی با مجله نیوز ویک اعلان کرد که (طالبان دشمن امریکا نیستند).

طالبان نیز جهاد را در برابر امریکا و ناتو امر شرعی می دانستند و با تبلیغات مذهبی از میان عشایر قومی و مذهبی سرباز گیری می کردند و صد ها نفر را از مدارس دینی آماده حمله انتحاری کردند که اکثر مکان های غیر نظامی را هدف قرار می دهند که از نظر اسلام شناسان هیچ توجیه دینی ندارد. طالبان میلیون ها دالر از شیوخ عرب؛ استخبارات پاکستان (۲) و جمهوری اسلامی ایران (۳) به منظور مبارزه علیه غرب بدست آوردند. ده ها داوطلب از کشورهای اسلامی الان در صفوف طالبان که اکثریت مطلق شان از سازمان ها و یا افرادی نزدیک به القاعده هستند حضور دارند و در طرفداری طالبان علیه دولت افغانستان و ناتو می جنگند. با آغاز مذاکرات طالبان همه انگیزه ها که ذکر شده را از دست می دهند بناء به تعقیب هر صحبت پیرامون صلح دست به حملات انتحاری میزنند و با افتخار مسولیت انرا می پذیرند؛ هنوز طالبان جنگ را بحیث گزینه اول بررسی می کنند. در دراز مدت طالبان شانس های سرباز گیری و جمع آوری اعانه را در کشور های عربی را بطور نسبی از دست خواهند داد اما هنوز منابع وجود دارد که طالبان را به منظور ادامه جنگ در افغانستان حمایت کنند که مهم ترین آن پول قاچاق مواد مخدر و استخبارات کشور های منطقه است.

**دوم: فشار های گوناگون بالای طالبان و امریکا.** در سال های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ حملات شبانه ناتو و هدف گیری های هوا پیما های بدون سر نشین تلفات مهم به طالبان وارد نمود؛ با وجود که امار دقیقی از تلفات طالبان در دست نیست ؛ ناتو می گوید در سال های گذشته حدود هفت صد فرمانده طالبان در حملات شبانه شکار شدند و تلفات طالبان؛ القاعده و حزب اسلامی بین چهار تا پنج هزار نفر تخمین شده است. سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ از سال های پر تلفات به نیرو های ناتو نیز بود. ادامه حضور ناتو با تلفات سنگین در سال های آینده برای کشورهای عضو ناتو غیر قابل قبول خواهد بود انهم در موجودیت حکومت ضعیف؛ غرق در فساد و قانون گریز در افغانستان. حکومت امریکا اعلان کرده است در پایان سال ۲۰۱۳ اکثریت نیرو های رزمی خویش را از افغانستان خارج خواهد کرد. تعداد

نیرو های که باقی می ماند مستقیماً بستگی دارد به امضای معاهده دوجانبه امنیتی بین ایالات متحده آمریکا و افغانستان.

**سوم: اختلاف آمریکا و طالبان با پاکستان.** قدرت اساسی در پاکستان در کنترل نظامیان است و این کشور با همه متحدان خویش بازی چند گانه دارد که این برخورد شامل حال آمریکا؛ حکومت افغانستان و در مواردی طالبان نیز میشود.

بعد از کشته شدن اسامه بن لادن رهبر شبکه القاعد در ماه می ۲۰۱۱ در پاکستان؛ حکومت آمریکا متوجه شد که شریک منطقوی آمریکا نیز با آن کشور سال ها بازی دوگانه نموده است. ادعای شراکت در مبارزه با تروریسم بین المللی و حفاظت از رهبر تروریست ها در صد کیلومتری اسلام آباد. حملات هوا پیمای بدون سرنشین در مناطق قبایلی پاکستان (وزیرستان شمالی) که طالبان و القاعده در آنجا پناه گاهای مطمئن دارند نیز از موارد جدی تری اختلافات پاکستان با آمریکا محسوب می گردد.

سال هاست حکومت افغانستان پاکستان را خانه و پرورشگاه تروریستان می داند اما حکومت های پاکستان این ادعا را رد می کند و به عکس العمل متقابل می پردازد.

عده ای از طالبان نیز احساس کرده اند که سال هاست دستگاه استخبارات نظامی پاکستان از آنها بهره داری ایزاری می کند. تسلیم دهی تعداد از فرماندهان ارشد طالبان در سال های ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۴ و دستگیری بعضی رهبران طالبان که احساس شود از کنترل نظامیان پاکستان خارج شدند. مانند ملا عبدالغنی برادر و قتل ملا ذاکر افرادی دوم حرکت طالبان می تواند از عوامل عمده ی اختلافات میان پاکستان و طالبان باشد. احتمالاً پاکستان و بعضی قدرت های نامریی منطقوی در صدد تعویض ملا عمر به چهره دیگر (ملا آغا جان معتصم وزیر مالیه طالبان) اند؛ هواداران ملا عمر به ملا معتصم حمله کردند او شدیداً زخم برداشت ولی جان به سلامت برد. همچنان گفته شده است که آقای ملا معتصم مخفیانه به کابل سفر کرده و مدتی در بیمارستان نظامی چهار صد بستر کابل مورد مداوا قرار گرفته است و بعد جهت تداوی به ترکیه منتقل شد. احتمال دارد وی بنا بر اختلاف با نظامیان پاکستان به ترکیه به حمایت حکومت افغانستان پناه برده باشد و تلاش کند تا در آینده قسمت های گروه طالبان از کنار ملا عمر جدا سازد).<sup>۴</sup>

حرکت های منطقوی برای حمایت طالبان در کشور های همسایه جنوبی و غربی افغانستان رو به افزایش است؛ گذارش های متعددی وجود دارد که حکومت جمهوری اسلامی ایران به صف حامیان طالبان پیوسته است. هدایای شیوخ عربی و همکاری های دومدار سازمان القاعده هنوز به طالبان ادامه دارد. حمایت های منطقوی از طالبان انگیزه های متفاوت دارد. شیوخ عرب هنوز بحیث حامیان جهاد حضور غرب را در افغانستان حضور صلیبی ها می دانند؛ استخبارات پاکستان حمایت از نیروهای افراطی در منطقه را جزء برنامه راهبردی کلان خویش در مقابله با هند و دیگر رقبای منطقوی خویش می پندارد؛ سپاه پاسداران دشمن- دشمن را دوست می پندارد یعنی مصروف ساختن آمریکا در افغانستان و یا نابودی نیروهای امریکایی بیرون از ایران فرصتی است برای نفس راحت کشیدن دولت جمهوری اسلامی ایران.

قیام های مردمی در ماه سرطان ۱۳۹۱ در غزنی - فاریاب و لغمان احتمال قطع همکاری مردم رابه طالبان در مناطق روستایی افغانستان را بیش از پیش قوی ساخته و بر اختلافات داخلی طالبان تشدید می بخشد.

**شکست احتمالی گفتگو های صلح** اگر مذاکرات صلح ناکام گردد که احتمال زیاد آن پیش بینی میشود؛ مدت هاست که طالبان مذاکرات را یکجانبه با امریکا قطع کردند و دلیل آنرا عدم صداقت امریکا در روند مذاکرات اعلان کردند؛ گرچه حکومت امریکا در سال ۲۰۱۲ اقدام به انتقال تعدادی از زندانیان مهم طالبان از گوانتامو به کابل نمود تا مقدمه ای آغاز مجدد مذاکره با طالبان فراهم شود. طالبان و حامیان آنها حملات تروریستی شان را تا پایان حضور نیرو های ناتو (۲۰۱۴) در افغانستان ادامه میدهند و انتظار پیشرفت های نظامی بیشتر را محاسبه می کنند.

استخبارات نظامی پاکستان تلاش خواهد کرد تا طالبان را منحيث وسیله فشار علیه ناتو تقویت بیشتر نماید و عملا در تخریب موفقیت هر نوع تلاش صلحجویانه اقدام خواهند کرد از جانی حامد کرزی ریس جمهوری افغانستان با حملات هوایی شبانه هوا پیمای های ناتو علیه مواضع طالبان و شکار فرماندهان عمده طالبان در روستا های افغانستان موافق نیست و تقاضای قطع این حملات را نموده است. درین صورت آیا ناتو و نیروهای امنیتی افغانستان برای نابودی طالبان تا پایان سال ۲۰۱۳ از راه نظامی توفیق خواهند داشت؟. موفقیت کامل با شرایط کنونی میسر نخواهد بود.

اعتماد زیاد به توانایی نیروهای امنیتی افغانستان در مهار کردن شورش های طالبان و حزب اسلامی در مناطق پشتون نشین حامی طالبان تجربه نشده است.

**موفقیت احتمالی گفتگو های صلح** صف بلندی از کارشناسان امور افغانستان موافقت که صلح با طالبان موفقیت نخواهد داشت اگر بپذیریم که طالبان در اثر فشار های داخلی و منطقوی به صلح پیوستند و جزء یک پروسه دموکراتیک شدند. آیا ایشان از خواسته های شان که شامل بر پایی امارت اسلامی؛ نافذ کردن قوانین شرعی نوع خود شان؛ بستن دروازه های مدارس؛ دانشگاه ها و شراکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی عقب نشینی خواهند کرد؟ برای لحظه ای قبول کنیم که طالبان قانون اساسی افغانستان را پذیرفتند و یک شبه متمدن شدند؛ آیا از دشمنی با مخالفان سیاسی خویش مانند نیروهای شامل جبهه متحد ملی به رهبری احمد شاه مسعود شهید سال ها باهم جنگیدند؛ احتراز خواهند کرد؟ جواب این سوال منفی است. نیروهای جبهه متحد ملی شامل **جمعیت اسلامی**؛ احزاب تشیع افغانستان **حزب وحدت** شاخه های خلیلی؛ محقق و اکبری ( **حزب حرکت اسلامی** شاخه شیخ اصف محسنی و سید حسین انوری) حزب اتحاد/**دعوت اسلامی**؛ حزب **جنبش ملی اسلامی افغانستان**؛ شخصیت های مطرح کنونی از احزاب دیگر اسلامی مانند حاجی ظاهر پسر حاجی عبدالقدیر؛ حاجی حضرت علی از جلال آباد؛ خانواده ملا نقیب الله و مولوی غلام محمد از قند هار.

احزاب فوق در یازده سال گذشته شامل حکومت یا اپوزسیون سیاسی حکومت بودند و خویش را در دست آورد های نظام سیاسی افغانستان شریک می دانند تا کنون موقف رسمی آنها این بوده که گروه های مخالف مسلح دولت باید مانند ایشان سلاح های بر زمین بگذارند و قانون اساسی را رسماً بپذیرند در انصورت خواهند پذیرفت که مخالفان نظامی با آنها در یک پلت فارم سیاسی به شکل دموکراتیک در انتخابات شرکت و شامل نظام سیاسی شوند.

موفقیت احتمالی مذاکره با طالبان بدون برنامه روشن ملی که به تایید پارلمان کشور نرسیده باشد به جنگ افغانستان نقطه پایان نمی گذارد بلکه جنگ خونینی در میان گروه های متذکره و طالبان آغاز خواهد شد.

گروه های شامل در جبهه متحد ملی قبلی؛ **ایتلاف ملی**؛ **جبهه ملی** و حزب **حق و عدالت** علم مخالفت را با واردن شدن طالبان بدون پذیرش قانون اساسی و خلع سلاح آنها به نظام سیاسی کشور ابراز کردند. حضور دشمن مشترک باعث وحدت مجدد گروه های متذکره خواهد گردید. حامد کرزی

ریس جمهوری افغانستان تا کنون رهبران؛ جمعیت اسلامی به رهبری صلاح الدین ربانی و حزب وحدت به رهبری محمد کریم خلیلی را در کنار حکومت خویش دارد. نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ تعاملات زیادی را در حوزه تعاملات سیاسی افغانستان شاهد خواهد بود. احتمال دارد که مخالفان سیاسی نظام به خاطر شکست کاندیدی مورد نظر حامد کرزی؛ متحد شوند.

از جانب دیگر شبکه های مدنی و زنان که خود را حامیان حقوق بشر می دانند با حضور طالبان و قوانین ستخگیران آنها مخالفند. همچنان توده های مردم که در زمان حاکمیت طالبان به نحوی عزیزان شان از دست دادند یا دارایی ها و ملکیت های شان قصدا از جانب طالبان به آتش کشیده شده است خواهان پیگیری عدلی جنایات سازمان یافته گروه طالبان میباشند. همه ی عوامل فوق میتواند به شکل طبعی به محور های مخالفت مردمی علیه طالبان محاسبه شود؛ همچنان موجودیت سلاح در دست مردم افغانستان احتمال طغیان های نظامی علیه این برنامه ادغام مجدد طالبان غیر قابل پیشبینی نیست.

در نتیجه اگر حکومت افغانستان و شرکای بین المللی آن مذاکره و مصالحه را گزینه نهایی فرایند که منجر به ثبات در افغانستان گردد برگزیده اند باید منتظر عملکرد بعدی طالبان بود چون پذیرش هر روند دموکراتیک منجر به تضعیف و نهایتا نابودی طالبان در دراز مدت خواهد شد. از جانب دیگر رهبران اپوزسیون سیاسی در کابل در اظهارات تازه خویش آقای کرزی را متهم به همدستی و ایتلاف با طالبان نمودند که در صورت خروج زود هنگام ناتو از افغانستان وضعیت را امنیتی را وخیم تر خواهد کرد.

در هر صورت جنگ یازده ساله ناتو و حکومت افغانستان در برابر تروریسم بین المللی و طالبان تا کنون پیروز واقعی ندارد؛ عوامل زیادی وجود دارد که منجر به ناکامی جنگ در افغانستان شده است که مهم ترین آن ناکارآمدی حکومت افغانستان و اشتباهات قوای ناتو میباشند.

عزیز احمد بارز

اکسفورد جنوری ۲۰۱۳

منابع:

۱. <http://www.hazaranetwork.com/forum/topics/1992280:Topic:754011>

۲. <http://www.ariaye.com/dari8/siasi/mashid7.html> . ۳

۴. <http://www.8am.af/index.php>

<http://www.seemab.ir/fa/pages/?cid=57553>

۵. <http://www.khorshed.org/?p=4963>